

Islamization of Knowledge and the Role of Universities in Preserving Islamic Values

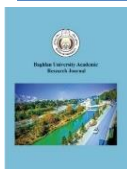
Sayed Khalil Kohi

Department of Islamic Studies, Sharia Faculty, Bamyān University, Afghanistan.

Corresponding Author: Sayed Khalil Kohi. E-mail: kohi_khalil۲۳@bu.edu.af.

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Review Article	This article evaluates the role of universities in consolidating, expanding, and deepening Islamic values . In the era of globalization and interaction with various cultural trends, universities as hubs of knowledge production and nurturing intellectual elites bear a fundamental responsibility in strengthening Islamic identity. This research focuses on analyzing strategic components, challenges, and obstacles ahead, while presenting practical suggestions for institutionalizing the Islamization of knowledge. The findings of this study indicate that universities are capable of significantly contributing to the preservation of Islamic principles through official and non-official educational programs, training committed human resources, producing knowledge based on religious foundations, effective interaction with society, and creating cultural infrastructures. However, this path is challenged by issues such as the infiltration of foreign cultures, lack of resources, and value contradictions. Ultimately, the article underscores the need to strengthen the role of universities in educating a committed and knowledgeable generation to ensure the future of Islamic civilization.
Article History:	
Received: 23, October, 2025	
Accepted: 25, March, 2026	
Published: 7, June, 2026	
Keywords:	Commands of knowledge, cultural challenges, human upbringing, values.

To cite this article: Kohi. S. K: 2026. Islamization of Knowledge and the Role of Universities in Preserving Islamic Values. Baghlan University Journal of Natural and Social Sciences, Vol. 14, Issue. 1, Serial No. 38. Spring (2026), 69-87.
License: RCTD – GNJR – 0018 – 23.
Publisher: University of Baghlan Journal@baghlan.edu.af



اسلامی سازی معرفت و نقش پوهنتون‌ها در حفظ ارزش‌های اسلامی

پوهنوال سید خلیل کوهی

عضو کادر علمی دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون بامیان.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله علمی - تحقیقی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۸/۱ هـ ش

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۱/۵ هـ ش

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۰۳/۱۷ هـ ش

این مقاله به ارزیابی نقش پوهنتون‌ها در تثبیت، گسترش و عمق بخشی به ارزش‌های اسلامی پرداخته است. در دوران جهانی شدن و مواجهه با جریان‌های فرهنگی مختلف، پوهنتون‌ها به‌عنوان کانون تولید علم و پرورش مغزهای نخبه مسئولیت اساسی در تقویت هویت اسلامی بر عهده‌دارند. این تحقیق با تحلیل مؤلفه‌های راهبردی، چالش‌ها و موانع پیشرو، به ارائه پیشنهادهایی کاربردی برای نهادینه‌سازی اسلامی معرفت تمرکز دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که پوهنتون‌ها می‌توانند از راه برنامه‌های رسمی و غیررسمی تعلیم، تربیت نیروی انسانی متعهد، تولید علوم مبتنی بر مبانی دینی، تعامل مؤثر با جامعه و ایجاد زیربناهای فرهنگی به شکل مؤثری به حفظ اصول اسلامی کمک کنند. البته این مسیر با چالش‌هایی چون نفوذ فرهنگ‌های بیگانه، کمبود امکانات و تناقض‌های ارزشی مواجه است. مقاله همچنین بر مبنای استناد به منابع اصیل دینی و برنامه‌ریزی راهبردی، به‌عنوان چارچوب عملی برای اسلامی کردن معرفت یاد می‌کند. مقاله یاد شده به روش کیفی بصورت تحلیلی استدلالی تحقیق شده و از منابع دست اول کتابخانه‌ای در مورد استفاده کرده است.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌ها، تربیت انسانی، چالش فرهنگی، فرمان‌ها معرفت.

استناد: کوهی. سید خلیل. (۱۴۰۵)، اسلامی سازی معرفت و نقش پوهنتون‌ها در حفظ ارزش‌های اسلامی، مجله علمی تحقیقی علوم طبیعی و اجتماعی پوهنتون بغلان، شماره ۱، بهار (۱۴۰۵)، شماره مسلسل ۳۸، دور ۱۴، (۶۹-۸۷).

ناشر: پوهنتون بغلان. Journal@baghlan.edu.af

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد المرسلين محمد ﷺ و على آله و أصحابه أجمعين. اما بعد!

قرآن کریم، دستور مسلمانان و کتاب الهی؛ اسلام را من حیث یگانه دین الهی در روی زمین معرفی نموده و بیان می دارد که «و من یبتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین» (آل عمران، ۸۵). ترجمه: هرکس جز اسلام دینی را بجوید، از وی پذیرفته نخواهد شد و وی در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

هرکس غیر از اسلام دین دیگری را برگزیند، چه اینکه پیرو عقاید ساخته شده بشر باشد یا ادیانی که از مسیر اصلی خود منحرف شده است، خداوند جل جلاله آن را قبول نمی کند (البیضاوی، ۱۴۱۸). در روایتی مسلم به سند خودش از ابوهریره رضی الله تعالی عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَأَسْمَعَ بِي أَحَدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ، وَلَا نَصْرَانِيٍّ، ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ، إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» (النيسابوري، بی تا). ترجمه: قسم به آنکه جان محمد در دست او است هیچ کس از این امت، یعنی انسان های عصر رسالت چه یهودی و چه نصرانی از من نشنود و سپس بمیرد و درحالی که به آنچه من فرستاده شده ام ایمان نیاورده باشد، جز اینکه اهل آتش خواهد بود. این حدیث دقیقاً تأکید بر آیه ۸۵ آل عمران است که در فوق تذکر داده شد. حدیث فوق نشان می دهد که رسالت پیامبر ما صلی الله علیه و سلم جهانی است و همه انسان های روی زمین پیرو هر دین و از هر تباری که هستند ناگزیر باید پس از شنیدن پیام الهی اسلام ایمان بیاورند. در روایت فوق پیامبر با سوگند مؤکد بیان کرده اند که هیچ کس، اگر چه پیروان پیامبران پیشین باشند، اگر پس از آگاهی از دعوت اگر پس از آگاهی از دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم دعوت وی را نپذیرند و به همان حالت از دنیا برود جایگاهش آتش خواهد بود. حدیث یاد شده توضیح عملی آیه ۸۵ آل عمران است که فرمود غیر از اسلام هیچ دینی در نزد خداوند جل جلاله پذیرفته نمی شود. هم قرآن و هم سنت متفقاً به این نکته اشاره دارد که حقانیت نهایی و مرجعیت مطلق در دین اسلام متجلی است و پذیرش آن شرط نجات آخرت است.

با توجه به این موضوع، در عصر جهانی شدن و هجوم فرهنگ ها و اندیشه های متنوع، حفظ هویت اسلامی و نظام ارزشی برخاسته از تعالیم وحیانی به یکی از دغدغه های اصلی جوامع مسلمان تبدیل شده است (Al-Attas, 1993). پوهنتون ها، به عنوان کانون های تولید علم، تربیت نیروی

انسانی نخبه و شکل‌دهنده گفتمان‌های فکری جامعه، نقشی بی‌بدیل و خطیر در این فرآیند ایفا می‌کند (Abdul Razak, 2020). این نهادها نه تنها مسئول انتقال دانش تخصصی، بلکه عهده‌دار تربیت انسان‌های متخلق به اخلاق اسلامی و آگاه به مبانی دینی خود هستند (Qutb, 2000).

اهمیت این نقش زمانی آشکارتر می‌شود که در نظر گرفته شود پوهنتون‌ها محل تلاقی جوانان در حساس‌ترین دوره شکل‌گیری شخصیت و جهان‌بینی آنان با جریان‌های فکری است که همان جریان‌ها، گاهی با ارزش‌های دینی میانه خوبی ندارند؛ هستند (Ramadan, 2004). بنابراین؛ تبیین دقیق نقش پوهنتون‌ها و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بهینه‌سازی عملکرد آنان در جهت حفظ و تقویت ارزش‌های اسلامی، امری ضروری و حیاتی برای تداوم حیات معنوی و فرهنگی امت اسلامی محسوب می‌شود. این کار در بررسی نصاب تحصیلی پوهنتون‌های افغانستان و حذف ۶۷۹ عنوان اثر درسی که با فرهنگ اسلامی مطابقت نداشته است و سایر فعالیت‌های که در راستای اسلامی سازی معرفت است، در حال انجام است.

تحقیق حاضر به روش کیفی بصورت تحلیلی استدلالی از منابع دست اول کتابخانه ای نگاشته شده است. ابتدا منابع شناسائی شده، سپس چارچوب ساختاری مقاله بصورت پیش فرض از طرف نویسندگان تهیه گردیده و مواد از منابع بصورت پراکنده مرتبط به عنوان‌های فرضی در کاغذ‌های معیاری تحت عنوان (فیش) جمع آوری گردیده و در کارتن‌های مختلف بنام هر عنوان جا داده شده و پس از تکمیل فیش برداری بصورت منطقی تنظیم و درج مقاله گردیده است.

هدف از انجام این تحقیق؛ بررسی جایگاه چندبعدی پوهنتون‌ها در استقرار، گسترش و تثبیت ارزش‌های اسلامی در سه سطح اصلی: فردی (محصلان و اعضای کادر علمی)، نهادی (محیط علمی و فرهنگی پوهنتون) و اجتماعی (اثرگذاری بر جامعه) است که شامل اهداف جزئی همانند:

۱. مطالعه و ارزیابی شیوه‌ها، راهبردها و ابزارهای مؤثری که پوهنتون‌ها می‌توانند برای تحقق این مسئولیت در حوزه‌های تعلیمی، تحقیقی، فرهنگی و مدیریتی مورد استفاده قرار دهند.

۲. شناسایی مشکلات و موانع داخلی و خارجی که مانع ایفای نقش مؤثر پوهنتون‌ها در این عرصه می‌شوند (ازجمله مباحث معرفتی، تهاجمات فرهنگی و کمبود منابع).

۳. تدوین راهکارهای عملی و پیشنهادی در جهت تقویت نقش پوهنتون در حفظ و بسط ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های ملی و مرتبط با ساختارهای علمی، می‌شود.

در این تحقیق به پرسش اصلی ذیل جواب داده شده است؛ پوهنتون‌ها چگونه می‌توانند سمت‌وسویی مؤثرتر برای استقرار و نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی در میان محصلان، اعضای

علمی و جامعه پیدا کنند و چه عواملی بیشترین چالش را در این حوزه برای آنان ایجاد می کنند؟ همچنان سؤالات جزئی همچون:

۱. چه مکانیسم ها و استراتژی هایی به تقویت نقش پوهنتون ها در حفاظت از ارزش های اسلامی کمک بیشتری می کنند؟

۲. مهم ترین چالش های مرتبط با مسائل فرهنگی، مدیریتی و معرفتی که پوهنتون ها در زمینه اسلامی سازی علم با آن ها درگیر هستند چه هستند؟

۳. چه تدابیر عملی می توان طراحی کرد تا هماهنگی بیشتری میان نصاب تحصیلی پوهنتون ها و اصول و ارزش های اسلامی ایجاد شود؟ جواب داده شده است.

مبحث رابطه دین و تحصیلات عالی و به طور خاص نقش پوهنتون ها در حفظ ارزش های دینی، سابقه ای طولانی در اندیشه اسلامی و نیز مطالعات تطبیقی دارد. دانشمندان اسلامی همچون، سید محمد نقیب العطاس از پیشگامان نظریه پردازی در باب اسلامی سازی دانش بود^۱ و بر ضرورت بازسازی علوم انسانی و اجتماعی بر اساس جهان بینی توحیدی تأکید داشت. وی معتقد بود بدون این بازسازی، پوهنتون ها ناخواسته به ترویج سکولاریسم و بیگانگی از ارزش های اسلامی کمک می کنند (Al-Attas, 1978). اسماعیل راجی الفاروقی دانشمند فلسطینی این مفهوم را بسط داد و چارچوب های عملی تری برای نهادینه سازی آن در پوهنتون ها پیشنهاد کرد (Al-Faruqi, 1982). در باب اسلامی سازی علم و معرفت، نقش متفکر فلسطینی، دکتر اسماعیل راجی الفاروقی، از سایر متفکران در عرصه بین المللی و جهان اسلام برجسته تر و شایان توجه بیش تر است. او متولد 1921 م در شهر یافا در فلسطین اشغالی است و در 1987 م در پنسیلوانیای امریکا به همراه همسرش به طرز نامعلومی ترور شد. او یکی از متفکران مسلمان عرب است که دیدگاه های خاصی درباره طرح اسلامی سازی معرفت دارد و نیز موفق شده است تا در این خصوص قدم های مؤثری در اجرای اقدامات عملی، به ویژه تأسیس سازمان های بین المللی، بردارد و نیز نهضتی را در اسلامی سازی معرفت برپا کند که متفکران مسلمان عرب و حتی شرق آسیا و نیز امریکا از آن حمایت و آن را پی گیری کنند (قربانی، ۱۳۹۳).

¹ Islamization of Knowledge

در ایران، پس از انقلاب، گفتمان انقلاب فرهنگی و تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال (۱۹۸۰) نقطه عطفی در تلاش برای همسوسازی نظام تحصیلات عالی با ارزش‌های اسلامی بود (حسینی زاده، ۱۳۸۵).

مطالعات تجربی نیز به بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته‌اند، ازجمله تحقیقاتی در مورد تأثیر محیط پوهنتون بر پایداری دینی محصلان (Astin et al, 2011)، نقش برنامه‌های درسی پنهان^۱ در انتقال ارزش‌ها (Giroux & Penna, 1983)، ارزیابی عملکرد نهادهای فرهنگی و مذهبی در پوهنتون‌ها (خانیک و همکاران، ۱۳۹۸). باوجوداین پیشینه غنی، شکاف‌هایی قابل توجه وجود دارد: نخست، تمرکز بیش‌ازحد بر نظریه‌پردازی کلان و کمتر بر مطالعات موردی عمیق و ارزیابی اثربخشی برنامه‌های اجراشده؛ دوم، نادیده گرفتن تنوع چالش‌های پیش روی پوهنتون‌ها در کشورهای مختلف اسلامی با بافتارهای سیاسی-اجتماعی متفاوت؛ و سوم، نیاز به ارائه راهکارهای نوین متناسب با تحولات سریع فناوری و ارتباطات در عصر حاضر (Duderija, 2014 & Zia, 2006). این تحقیق می‌کوشد ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای پیشین، به فعالیت‌های بنیادی که در افغانستان برای اسلامی سازی معرفت برمبنای رهنمودهای امیرالمؤمنین صورت می‌گیرد نیز بپردازد.

روش تحقیق: در تهیه و تدوین این مقاله، از روش مروری اسنادی استفاده صورت گرفته، که اطلاعات با استفاده از منابع معتبر جمع‌آوری و به گونه‌ی توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

اسلامی‌سازی معرفت

در تعریف فاروقی، اسلامی سازی معرفت بعدی اساسی و اولیه در بنای اسلام‌گرایی دارد که به اندیشه و جهان‌بینی و درون‌مایه ارزشی، فلسفی و انسانی، کیفیت بنای معرفت، ترکیب و روابط آن با عقل، نفس و وجدان اختصاص دارد. ازاین‌رو اسلامی سازی معرفت شرطی اساسی و پیشین برای کامیابی طرح سازندگی امت اسلامی است و مفهوم آن در زندگی اجتماعی، در تمام‌صورت‌های فردی و اجتماعی، فکری، علمی، عملی و حرکتی‌اش یکسان است (فاروقی، ۱۳۸۵). به بیان دیگر، برای حل

¹ Hidden Curriculum

بحران فکری و علمی مسلمانان بایستی در عرصه نظر و عمل آنها تغییراتی اساسی ایجاد کرد و فاروقی به این اصطلاحات عنوان اسلامی سازی معرفت را می دهد.

اسلامی سازی معرفت نوعی جهان بینی، ایدئولوژی جدید، به ویژه روش شناسی نوین برای رفع بحرانی است که مسلمانان در آن گرفتار شده است. در این فرایند، گام اول توجه به واقعیت های دین اسلام و رجوع به سنت و قرآن است؛ زیرا اسلام دین کاملی است که قابلیت های زیادی برای رفع بحران هویتی انسان معاصر دارد. در این زمینه، فاروقی به تأمل در آموزه های اساسی اسلام چون خلقت و خلیفه الهی انسان توجه دارد و به ویژه به محوریت توحید و الگو بودن رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اشاره می کند. او می گوید که جوامع مسلمان بایستی الگوهای رفتاری خود را از معیارهای زندگانی و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اخذ کنند. درباره اندیشه توحید، فاروقی بر آن است که، ویژگی اول توحید، وحدت معرفت است که بر اساس آن همه اصول دانش ها شناخت عقلانی، عینی و انتقادی حقیقت را جست و جو می کنند. این اندیشه کنار گذاشتن این فکر است که بخشی از دانش عقلی و بخشی نظری است. لذا رشته هایی وجود دارند که علمی و مطلق اند و دانش های دیگر همانند وحی الهی قطعی و برخی دیگر ظنی اند. ویژگی دوم وحدت زندگی است که بر اساس آن هر دانشی بایستی به منظور شناخت و تطبیق دادن با طبیعت خلقت شکل گیرد. این امر این ادعا را که برخی از رشته های دانش دارای ارزش اند و برخی نفع و ضرری ندارند، کنار خواهد گذاشت. ویژگی سوم وحدت تاریخ است که بر اساس آن تمام شاخه های دانش؛ ویژگی اجتماعی امت اسلامی، فعالیت انسانی و خدمت برای اهداف امت در طول تاریخ را در نظر می گیرند. این امر تقسیم معرفت به علوم اجتماعی و فردی را کنار می گذارد و آنها را به دانش های انسانی امت وار تقسیم می کند (Al-Faruqi, 1988). در اینجا، فاروقی با محوریت توحید، یعنی اعتقاد به یگانگی خدا، جل جلاله بر آن است که ملیت و جغرافیای انسان ها در آن نقشی ندارند.

پوهنتون ها و ارزش های اسلامی

پوهنتون ها صرفاً مصرف کننده ارزش های تعریف شده در جامعه نیستند، بلکه با تولید دانش اسلامی اصیل و اجتهاد پویا در شناخت، تفسیر و تبیین ارزش ها در جهان معاصر نقش دارند. پوهنچی های شرعیات، حقوق و علوم اجتماعی مسئولیت سنگینی در ارائه موضوعات معتبر، عمیق و پاسخگو به مسائل نوپدید (مستحدثات) بر اساس منابع اصیل (قرآن، سنت، اجماع و قیاس) دارند (Ramadan, 2009). سایر پوهنچی های نیز نقش مهمی در نهادهای سازی معرفت اسلامی و اسلامی

سازی معرفت دارند. تحقیق‌های بنیادین در این حوزه‌ها، شالوده نظری حفظ ارزش‌ها را فراهم می‌کند. برای مثال، تحقیق‌های مربوط به فقه (فقه نظام سازی) یا فقه التحدیت (فقه پاسخ به چالش‌ها) مستقیماً به چگونگی حفظ ارزش‌ها در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مدرن می‌پردازند (حکیم، ۱۴۲۹).

به‌علاوه، پوهنتون‌ها در شکل‌گیری افکار محصلان نقش مؤثری دارد. درمجموع می‌توان نقش پوهنتون‌ها در اسلامی سازی معرفت و حفظ ارزش‌های اسلامی را در موارد ذیل بررسی کرد:

الف-انتقال ارزش‌ها از طریق برنامه‌های درسی رسمی و غیررسمی

گنجاندن درس‌های ثقافت اسلامی به‌صورت عمومی و درس‌های دینی تخصصی همچون مبانی اندیشه اسلامی، اخلاق اسلامی، آشنایی با علوم قرآن و حدیث و سایر مطالعات مبتنی بر شریعت، در همه رشته‌ها ضروری است؛ اما این کافی نیست. اسلامی سازی محتوای دروس تخصصی در علوم انسانی (جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، مدیریت)، علوم پایه و حتی انجینیری بر اساس جهان‌بینی توحیدی، گامی فراتر و حیاتی است. مثلاً تدریس اقتصاد اسلامی در کنار اقتصاد متعارف نوکلاسیک، یا روانشناسی با توجه به مفاهیم اسلامی نفس، قلب و فطرت (Chapra, 2008; Badri, 2000). طراحی دروس میان‌رشته‌ای مانند اخلاق حرفه‌ای در مهندسی، بعد انسانی و اسلامی مدیریت یا فلسفه علم از دیدگاه اسلام بسیار مؤثر است (Nasr, 1987).

برنامه درسی غیررسمی یا پنهان عبارت از تأثیر محیط فیزیکی و اجتماعی پوهنتون، رفتار و منش روسای پوهنچی‌ها، معاونین، اساتید و کارکنان، قوانین و مقررات حاکم بر صنف و فضای درسی، فعالیت‌های فوق‌برنامه و فضای کلی حاکم بر پوهنتون در انتقال ارزش‌ها، اغلب قوی‌تر از برنامه رسمی است. اخلاق حرفه‌ای، صداقت علمی، احترام متقابل، نظم و انضباط، ساده‌زیستی و خدمت‌رسانی که توسط رهبری پوهنتون، اساتید و مدیران الگوسازی و در محیط پوهنتون نهادینه می‌شود، برای محصلان و شاملان پوهنتون نقش برجسته داشته و این اعمال باید تجلی عینی ارزش‌های اسلامی اعم از صداقت، عدالت، انسانیت و راد مردی باشد (Palmer, 2011). فرهنگ گفت‌وگو و احترام به نظریات مخالف در چارچوب موازین اسلامی نیز بخشی حیاتی از این برنامه پنهان است.

ب- تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص

پوهنتون ها محل تربیت نخبگان آینده ساز جامعه هستند. پرورش انسان عالم متعهد یا متخصص متعهد که هم از دانش روز برخوردار است و هم به ارزش های اسلامی پایبند و دغدغه خدمت به جامعه اسلامی را دارد، مهم ترین دستاورد یک پوهنتون اسلامی است (مطهری، ۱۳۵۷). این امر مستلزم برنامه های تربیتی هدفمند فراتر از صنف درسی، مانند تشکلهای محصلی مذهبی- فرهنگی، اردوهای جهادی، طرح های خیریه محصلی، ارتباط با علما و مراجع دینی و مشاوره های دینی و اخلاقی است (Sahin, 2013). الگوپذیری محصلان از اساتید متخلق به اخلاق اسلامی نیز در این فرآیند نقشی کلیدی دارد.

ج- تولید علم دینی و پاسخ به شبهات

پوهنتون ها باید با تحقیق های کاربردی و بنیادین در حوزه های مرتبط با ارزش ها، به تولید دانشی بپردازند که هم از اصالت اسلامی برخوردار باشد و هم پاسخگوی نیازها و چالش های جامعه معاصر باشد. این کار، شامل تحقیق در زمینه فلسفه اخلاق اسلامی، نظام خانواده اسلامی در دنیای مدرن، اقتصاد مقاومتی و عدالت محور، رسانه و تبلیغ دینی، مقابله با شبهات فکری و کلامی و علوم انسانی اسلامی می شود (Malik, 2012). مراکز تحقیقاتی تخصصی در پوهنتون ها می توانند کانون این تلاش ها باشند. پوهنتون ها همچنین باید به پالایش علوم وارداتی از عناصر متضاد با ارزش های اسلامی و بومی سازی آن ها بپردازند. همان گونه که در این سال های اخیر انجام شده و طی آن صدها منابع درسی که با معیارهای اسلامی در مطابقت نبودند یا از برنامه حذف شده و یا اینکه خواستار اصلاح آن شده اند.

د- تعامل با جامعه و نهادینه سازی ارزش ها

پوهنتون نباید برج عاج نشین باشد. ارتباط فعال با جامعه اعم از مردم، مساجد، مدارس، نهادهای دینی، مراکز فرهنگی اجتماعی، صنعت، برای ترویج ارزش های اسلامی ضروری است. این ارتباط می تواند از طریق برگزاری سخنرانی های عمومی، مشاوره های تخصصی به نهادها، اجرای طرح های تحقیقی مورد نیاز جامعه، انتشار کتب و نشرات عمومی و استفاده از ظرفیت فضای مجازی برای تبلیغ معارف اسلامی شکل گیرد. پوهنتون ها من حیث مرکز تولید علم باید داشته های علمی و تحقیقاتی خویش را با جامعه ای که در آن زندگی می کند به مشارکت گذاشته و مردم را از داشته های علمی خویش مستفید و نشرات خویش را در خدمت جامعه قرار دهد. این گونه است که

معرفت، اسلامی گردیده، مردم به آن تمایل پیدا نموده و پوهنتون ها من حیث نهادهای معرفت زا و نهادینه ساز علم و دانش به سبک اسلامی در میان جامعه‌ای اسلامی جایگاه خویش را باز می‌یابد (Esposito & Mogahed, 2007). پوهنتون ها می‌توانند الگویی عملی از جامعه اسلامی کوچک را در محیط خود ارائه دهند که الهام‌بخش جامعه انسانی بزرگ‌تر در سطح ملی و کشور باشد.

ه- نهادهاسازی و سیاست‌گذاری فرهنگی

پوهنتون ها برای ایفای این نقش نیازمند ساختارها و نهادهای پشتیبان قوی هستند. وزارت تحصیلات عالی، رهبری ادارات محلی در ولایات، نهادهای امارتی، مؤسسات اسلامی، انجمن‌های اسلامی اساتید و محصلان، کانون‌های فرهنگی و مذهبی، مراکز مشاوره دینی و دفاتر ارتباط با مدارس دینی از جمله این نهادها هستند که باید پشتیبانی خوبی برای پوهنتون ها جهت ایفای نقش حفظ ارزش‌های اسلامی و اسلامی سازی معرفت ارائه دارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). برای این کار، پوهنتون ها، نیازمند اختیارات کافی، منابع مالی و انسانی مناسب و برنامه‌ریزی استراتژیک منسجم هستند. سیاست‌گذاری کلان فرهنگی پوهنتون باید صراحتاً بر پایه حفظ و تقویت ارزش‌های اسلامی استوار باشد و در تمام سطوح پوهنتون جاری شود. در جهان تک‌قطبی کنونی، اسلامی سازی معرفت و حفظ ارزش‌های اسلامی بدون چالش نیست، چالش‌های مختلف دامن‌گیر برنامه‌های این‌چنینی خواهد بود که در ذیل به برخی از این چالش‌ها اشاره می‌شود:

چالش علمی معرفتی و پاسخ آن

چالش: برخی معتقدند علم ذاتاً بی‌طرف و سکولار است و تزریق ارزش‌های دینی از جمله اسلامی به آن، به عینیت و پیشرفت علمی آسیب می‌زند. رویکردهای مثبت گرایانه ای حاکم بر بسیاری از علوم، به‌ویژه علوم انسانی، با مبانی جهان‌بینی اسلامی در تضاد است. (Hoodbhoy, 1991)

پاسخ: اولاً، بی‌طرفی علم یک افسانه است. علوم انسانی و اجتماعی موجود، متأثر از ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های لیبرال-سکولار غربی هستند (Nasr, 1993). اسلامی سازی به معنای کنار گذاشتن روش‌های علمی معتبر نیست، بلکه به معنای بازتعریف چارچوب‌های نظری، پرسش‌های تحقیق و اهداف بر اساس جهان‌بینی توحیدی است (Al-Alwani, 2005). ثانیاً، پیشرفت علمی در تمدن اسلامی زمانی به اوج رسید که علم در خدمت فهم آفرینش و تقرب به خدا جل‌جلاله بود، نه جدا از آن (Turner, 1997). چالش اصلی، تولید علم اصیل اسلامی با حفظ استانداردهای روش‌شناختی است، نه تقلید صرف از الگوهای غربی یا سنتی. زمانی که غرب علم را نمی‌شناخت مسلمانان علم را

رشد داند، شاخه های علمی را به وجود آوردند و مدت های طولانی سردمدار علمی جهان بودند؛ بنابراین امکان ندارد.

چالش تهاجم فرهنگی و جهانی شدن و پاسخ به آن

چالش: جریان های قدرتمند فرهنگ جهانی شدن^۱ که عمدتاً متأثر از ارزش های لیبرال-سکولار غرب است، از طریق رسانه ها، اینترنت، ارتباطات علمی و حتی برنامه های درسی وارداتی، به طور مستمر ارزش های اسلامی را به چالش می کشد. این امر ایجاد هویتی دوپاره^۲ در محصلان را تسهیل می کند (Ahmed, 1992).

پاسخ: پوهنتون ها نمی توانند درهای خود را به روی جهان ببندند. راه حل، تقویت هویت اسلامی از طریق معرفی عمیق، عقلانی و جذاب مبانی و ارزش های اسلامی به محصلان است. ایجاد سواد رسانه ای انتقادی^۳ برای مواجهه هوشمندانه با محتوای وارداتی ضروری است (Kellner & Share, 2007). تبادل آکادمیک فعال و مبتنی بر عزت با سایر پوهنتون های جهان، فرصتی برای ارائه تصویر صحیح اسلام و ارزش های آن فراهم می کند، نه صرفاً پذیرش منفعلانه. فناوری های نوین باید به عنوان ابزاری برای گسترش معارف اسلامی به کار گرفته شوند.

چالش منابع، مدیریت و پاسخ به آن

چالش: عدم تخصیص منابع کافی اعم از مالی، انسانی، زمانی، به فعالیت های فرهنگی و دینی در پوهنتون ها در مقایسه با فعالیت های تحصیلی و تحقیقی صرفاً فنی. ضعف مدیریتی و برنامه ریزی در نهادهای فرهنگی پوهنتون ها و فقدان ارزیابی اثربخشی برنامه ها مقاومت بخشی از بدنه علمی نسبت به ادغام ارزش ها در تحصیل و تحقیق از آن جمله است (Barrett, 2010).

پاسخ: اولویت دهی راهبردی به مأموریت حفظ ارزش ها توسط رهبری پوهنتون و تخصیص منابع متناسب با آن ضروری است. حرفه ای مدیریت فرهنگی از طریق جذب و تربیت مدیران متخصص و معتقد. طراحی نظام پایش و ارزیابی دقیق برای سنجش تأثیر برنامه های فرهنگی و دینی بر نگرش ها و رفتار محصلان. توانمندسازی و جلب مشارکت حداکثری اساتید معتقد در همه

¹ Globalized Culture

² Dual Identity

³ Critical Media Literacy

رشته‌ها برای انتقال ارزش‌ها در صنف درسی و محیط پوهنتون ازجمله کارهای لازمی به حساب می‌آید.

چالش تنوع درونی، تعریف ارزش‌ها و پاسخ آن

چالش: تکثر مذاهب و دیدگاه‌های فکری درون جهان اسلام و حتی درون یک کشور یا پوهنتون. اختلاف نظر در تعریف دقیق و اولویت‌بندی ارزش‌های اسلامی و نحوه تطبیق آن‌ها با شرایط مدرن. خطر تحمیل قرائت رسمی خاص و سرکوب اندیشه‌های متفاوت را در پی دارد (Eickelman & Piscatori, 1996).

پاسخ: تمرکز بر اصول و ارزش‌های مشترک و مسلم اسلامی؛ توحید، نبوت، معاد، عدالت، امانت‌داری، صداقت، احترام به والدین، حجاب، امر به معروف و نهی از منکر که مورد وفاق عام مسلمین است. ترویج فرهنگ گفت‌وگوی علمی، محترمانه و سازنده بین دیدگاه‌های مختلف فقهی و کلامی در چارچوب اصول مسلم دینی. پرهیز از سیاسی سازی افراطی فضای پوهنتون و تبدیل آن به عرصه کشمکش‌های ایده‌های مختلف. تأکید بر اخلاق و آداب مناظره علمی که خود بخشی از ارزش‌های اسلامی است می‌تواند راهگشای این مورد باشد.

چالش هماهنگی با جامعات و مدرسه‌های دینی

چالش: گاه شکاف یا حتی تقابل بین گفتمان حاکم بر پوهنتون همانند عقل‌گرایی، تجربه محوری، علوم جدید و گفتمان حاکم بر جامعات و مدرسه‌های دینی سنتی نقل‌محوری، فقه سنتی وجود دارد که همکاری مؤثر را دشوار می‌سازد.

پاسخ: ایجاد کانال‌های ارتباطی و نهادهای مشترک بین پوهنتون و جامعات (مانند جامعات تخصصی و یا مدرسه‌ها). تربیت شخصیت‌های آشنا به هر دو فضا (مدرسه و پوهنتون). تعریف پروژه‌های تحقیقی مشترک در زمینه‌هایی مانند فلسفه علوم اسلامی، فقه، اخلاق، همزیستی اسلامی و کلام جدید که نیاز به تخصص هر دو نهاد دارد (حائری یزدی، ۱۳۸۰، ص. ۹۲). تأکید بر مشترکات و اهداف کلان مانند حفظ دین و ارزش‌های ملی، پیشرفت جامعه اسلامی، به جای تمرکز بر اختلافات می‌تواند این چالش‌ها را حل نماید.

اهمیت پوهنتون ها، علوم عصری و اسلامی سازی معرفت

پس از استقرار امارت اسلامی افغانستان در کشور، اولین گام برای اسلامی سازی معرفت و پرورش جوانان برمبنای اندیشه‌های اسلامی با افزایش مضامین ثقافت اسلامی در پوهنتون ها برداشته شد.

این کار با تأیید و تصویب مفردات درسی مضامین ثقافت اسلامی و افزایش ساعت های درس آن از یک ساعت درسی در هفته در صنوف مختلف به مجموعاً سه ساعت درسی (ریاست نصاب تحصیلی، ۱۴۴۳) برداشته شد.

در این نصاب مضامینی همچون: نظام اعتقادی اسلام، تلاوت و تجوید، نظام عبادتی اسلام، سیرت النبی، نظام اخلاقی اسلام، نظام اجتماعی اسلام، تربیت فکری، ادیان و مذاهب، نظام سیاسی اسلام، نظام اداری اسلام، نظام اقتصادی اسلام، قرآن و علوم معاصر و تمدن اسلامی؛ مضامین گنجانده شده هستند (ریاست نصاب تحصیلی، ۱۴۴۳). این مضامین همان گونه که از نام آن ها پیداست علوم مختلف اسلامی را به محصلین انتقال داده، آنان را با داشته های فکری، علمی، اعتقادی، سیاسی و فرهنگی اسلام آشنا می سازد.

پس از آن نصاب های تحصیلی دیپارتمنت های تعلیمات اسلامی و فقه بازنگری شد. نصاب جدید بر اساس اصول و ارزش های اسلامی طراحی شده است که می تواند به تقویت هویت دینی محصلان کمک کند، این مطلب از انتخاب منابع و مفردات درسی مضامین مختلف قابل درک است (ریاست نصاب تحصیلی، ۱۴۰۲).

این نصاب شامل موضوعاتی متنوع از جمله فقه، اصول، تفسیر قرآن، حدیث، علوم الحدیث، نظام های مختلف اسلامی، علوم قرآن و سیره نبوی است که محصلان را با ابعاد مختلف علوم اسلامی آشنا می کند (ریاست نصاب تحصیلی، ۱۴۰۱، ۱-۲).

در طراحی این نصاب از منابع اصیل و معتبر اسلامی بهره گرفته شده است که اعتبار علمی آن را افزایش می دهد. برخی از موضوعات جدید مانند نظام سیاسی در اسلام، نظام مالی و اقتصادی در اسلام، نظام اداری در اسلام، نقش مسلمانان در تمدن جهان، جنگ فکری که موضوعات ضروری و مدرن هستند، در این نصاب گنجانده شده است (ریاست نصاب تحصیلی، ۱۴۰۲).

این گونه فعالیت ها ادامه یافت، نصاب های مختلف رایج در کشور توسط اساتید علوم دینی و ثقافت اسلامی مورد بازبینی قرار گرفتند که در تازه ترین مورد آن حدوداً ۶۷۹ عنوان کتاب درسی من حیث کتاب های که نمی توانند ارزش های اسلامی را به محصلان انتقال دهند و نمی توانند موجب اسلامی سازی معرفت شوند از چرخه تدریس در پوهنتون ها کنار گذاشته شده اند (ریاست دفتر، ۱۴۰۴).

فعالیت های در این راستا در اینجا ختم نشده است، تعدادی از اساتید به صورت خدمتی در وزارت تحصیلات عالی به سر می برند و مصروف بررسی کتاب های نصاب جدید هستند. در پوهنتون

های کشور، من جمله پوهنتون بامیان نیز اساتید ثقافت اسلامی وقت نا وقت مصروف بررسی نصاب‌های درسی تأیید شده بوده و به نوبت کتاب‌های را که اشکال داشته باشند و یا اینکه نیاز به اصلاح داشته باشند جدا نموده و طی فهرست‌های جداگانه به وزارت تحصیلات عالی اطلاع می‌دهند.

این در حالی است که ممکن است برخی به این پندار باشند که امیرالمؤمنین حفظه الله به پوهنتون و جایگاه آن من حیث یک نهاد علمی اهمیت قائل نیست؛ بلکه عکس این قضیه صادق است. امیرالمؤمنین حفظه الله در سخنرانی که در پوهنتون قندهار داشت به این موضوع به خوبی اشاره کرده و اهمیت پوهنتون ها و علوم عصری را بازتاب داده است. او در تاریخ ۱۳ شعبان ۱۴۴۶، در بازدید از پوهنتون قندهار، بر اهمیت علوم دینی و معاصر تأکید کرد و گفت که پوهنتون و مدرسه دو نهاد مکمل هستند و دولت مسئول حمایت از مؤسسات علمی است (AP News, 2025). ایشان فرمودند که اگر نیاز باشد، باید استادان خارجی برای تدریس در پوهنتون های افغانستان استخدام شوند و جوانان کشور باید تعلیم حرفه‌ای و تخصصی دریافت کنند. وی از محصلان خواست که علم را با نیت خدمت به دین و مردم بیاموزند و از آن برای خدمت به وطن استفاده کنند.

در این فرازی از سخنان ایشان، به خوبی اهمیت پوهنتون من حیث جایگاه تحصیل علم، علوم عصری من حیث راهی برای ترقی و پیشرفت و از همه مهم‌تر اسلامی سازی علم و معرفت آشکار شده است. اسلامی سازی معرفت، نقش پوهنتون ها در حفظ ارزش‌های اسلامی و ضرورت به پوهنتون برای پیشرفت و ترقی جامعه از این واضح‌تر و خوب‌تر نمی‌شد بیان شود.

پوهنتون‌ها، به مثابه مغز متفکر و کارگاه انسان‌سازی جامعه، نقش محوری و غیرقابل انکار در حفظ، ترویج و نهادینه سازی ارزش‌های اسلامی ایفا می‌کنند. این نقش چندبعدی و پیچیده است و از تبیین نظری ارزش‌ها تا تربیت انسان‌های متخلق، از تولید علم دینی تا تعامل با جامعه و نهادسازی فرهنگی را در برمی‌گیرد. پوهنتون های اسلامی موفق، پوهنتون های هستند که مأموریت دینی خود را هم‌تراز و درهم‌تنیده با مأموریت تحصیلی و تحقیقی می‌دانند و آن را در ساختارها، برنامه‌ها و فضای کلی پوهنتون متجلی می‌سازند. باین حال، مسیر ایفای این نقش هموار نیست و چالش‌های معرفتی (ماهیت علم و اسلامی سازی)، فرهنگی (تهاجم فرهنگ جهانی و تکثر داخلی)، مدیریتی (منابع و اثربخشی) و ساختاری (هماهنگی با مدرسه) جدی پیش روی پوهنتون ها قرار دارد. غلبه بر این چالش‌ها نیازمند عزم راسخ مدیریتی، برنامه‌ریزی استراتژیک هوشمند، تخصیص منابع کافی، جلب مشارکت حداکثری اساتید و محصلان، نوآوری در روش‌ها و بهره‌گیری

از فناوری های نوین، مهم تر از همه، بازگشت مستمر به منابع اصیل دینی (قرآن و سنت) و اجتهاد پویا برای پاسخگویی به نیازهای زمانه است. آینده تمدن اسلامی تا حد زیادی به توانایی پوهنتون های آن در تربیت نسلی متعهد، عالم و توانمند، پایبند به ارزش های اصیل اسلامی و مجهز به دانش روز وابسته است.

عبدالسلام حنفی معاون ریاست الوزرا، در تاریخ ۲۳ رجب ۱۴۴۴، در پوهنتون کابل اظهار داشت که نظام تحصیلی افغانستان باید هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی تقویت شود؛ در غیر این صورت، کشور به استقلال واقعی دست نخواهد یافت (Amu TV, 2023). او همچنین نقش دانشمندان دینی در روشن سازی اهمیت علوم معاصر برای جامعه را مهم دانسته است.

با توجه به این سخنان، اهمیت پوهنتون ها و نقش آن در جامعه برجسته است. البته که اسلامی سازی معرفت و حفظ ارزش های اسلامی در صدر همه موارد قرار دارد؛ چنانچه طبق گزارش روزنامه ها امارت اسلامی برنامه های درسی پوهنتون ها را بر اساس تفسیر خود از شریعت اسلامی و استانداردهای جهانی تغییر داده اند. به گفته مقامات امارت، این تغییرات به منظور ارتقاء کیفیت تعلیم و انطباق با ارزش های اسلامی انجام شده است (8am Media, 2023).

این همان کاری است که به آن اسلامی سازی معرفت گفته می شود، کاری که می تواند نقش پوهنتون ها را در حفظ ارزش های اسلامی ماندگار و نهادینه سازی کند.

مناقشه

در این مقاله، نویسنده به اهمیت نقش پوهنتون ها در حفظ و ترویج ارزش های اسلامی پرداخته و چالش ها و فرصت های مرتبط با اسلامی سازی معرفت را بررسی کرده است. نویسنده، به ضرورت نهادینه سازی ارزش های دینی در نظام تحصیلات عالی اشاره کرده و تأکید بر بازنگری نصاب های درسی و حذف منابع غیرمتناسب با فرهنگ اسلامی را به عنوان گامی مؤثر در این راستا معرفی کرده است. همچنین، نویسنده به اهمیت تربیت نیروی انسانی نخبه و متعهد به اصول و ارزش های اسلامی پرداخته و نقش پوهنتون ها را در تولید علوم دینی و تعامل با جامعه برجسته دانسته است. باین حال، برخی از چالش های مطرح شده در مقاله، نظیر تضادهای معرفتی و تهاجم فرهنگی، نیازمند تحلیل عمیق تر و ارائه راهکارهای جامع تر هستند. برای مثال، نویسنده به چالش هایی همچون تأثیر جهانی شدن بر هویت اسلامی اشاره کرده، اما راه حل های پیشنهادی برای مقابله با این تأثیرات نیازمند جزئیات بیشتر و عملیاتی تر است. همچنین، تأکید بر بازگشت به منابع اصیل دینی

و اجتهاد پویا به عنوان راهکار اصلی، اگرچه ضروری است، اما نیازمند ارائه برنامه‌های اجرایی مشخص برای تحقق آن در محیط پوهنتون است.

نتیجه‌گیری

پوهنتون‌ها به عنوان کانون‌های علمی و مراکز تربیت نیروی انسانی نخبه، مسئولیت چندجانبه‌ای در تثبیت و گسترش ارزش‌های اسلامی دارند. این مسئولیت شامل انتقال مفاهیم و اصول ارزشی از طریق تعلیم رسمی و غیررسمی، تربیت افراد متخصص و متعهد، تولید دانش اسلامی، تقویت ارتباط با جامعه و ایجاد ساختارهای فرهنگی است. در همین راستا، بازنگری در نصاب‌های درسی و حذف منابعی که با فرهنگ اسلامی سازگار نیستند، از جمله اقدامات کلیدی‌ای است که اجرا گردیده است. چالش‌هایی چون تهاجم فرهنگی، محدودیت در بهره‌گیری از منابع، ناسازگاری ارزشی و فاصله میان پوهنتون‌ها و مدارس دینی، موانعی هستند که بر سر راه تحقق این اهداف قرار دارند. برای غلبه بر این مسائل، تدوین برنامه‌های راهبردی، استفاده از فناوری‌های مدرن و بازگشت به آموزه‌های اصیل دینی ضروری به نظر می‌رسد. تمرکز بر نقاط مشترک اسلامی، اجتناب از افزایش نگاه‌های سیاسی در فضای پوهنتون‌ها و گسترش فرهنگ تبادل دیدگاه‌های علمی نیز می‌تواند کار تأثیری در رفع این چالش‌ها داشته باشند. برای دستیابی به موفقیت در تحقق این مأموریت‌ها، هماهنگی میان اهداف دینی و علمی، تخصیص منابع لازم، همکاری مستمر میان اساتید و محصلان و بهره‌گیری مناسب از روش‌های تدریسی روز بسیار مؤثر خواهند بود. این تلاش‌ها امید به شکوفایی تمدن اسلامی را افزایش می‌دهند و زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای خواهند شد که هم به ارزش‌های اسلامی پایبند بوده و هم در دانشی مدرن تخصص یافته‌اند.

پیشنهاده‌ها

- در تحقیق حاضر موارد ذیل برای تحقیق جدید به محققان و نویسندگان مطرح است:
۱. بررسی تأثیر اسلامی سازی معرفت بر کیفیت تحصیلی در پوهنتون‌های افغانستان.
۲. تحلیل چالش‌های فرهنگی و مدیریتی پیش روی پوهنتون‌ها در راستای حفظ ارزش‌های اسلامی.
۳. ارزیابی نقش نصاب‌های درسی جدید در تقویت هویت اسلامی محصلان.
۴. مطالعه تطبیقی بین پوهنتون‌های افغانستان و سایر کشورهای اسلامی در زمینه اسلامی سازی علم.

منابع

- بیضاوی، عبدالله ابن عمر. (۱۴۱۸). تفسیر البیضاوی. المحقق: محمد عبدالرحمن المرعشلی.
- بیروت: دار احیاء التراث العربی. ج ۲، ص ۲۶.
- حائری یزدی، مهدی. (۱۳۸۰). کاوش های عقل عملی. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. ص ۹۲.
- حسینی زاده، سید محمدعلی. (۱۳۸۵). انقلاب فرهنگی و تحول در تعلیم عالی ایران.
- پژوهشکده خمینی و انقلاب اسلامی. ص ۵۴.
- حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۲۹ ق). مصطلح های اصولی و اثر آن در اختلاف فقهی. مجمع جهانی اهل بیت (ع). ص ۱۲.
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۷، ۳۱ مرداد). بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه ها. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39893>.
- خانیک، هادی؛ ذکایی، محمد سعید؛ و فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد نهادهای فرهنگی دانشگاه دولتی تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۲(۱)، ۷۷-۱۰۴.
- ص ۸۲.
- ریاست نصاب تحصیلی. (۱۴۰۱ ش). نصاب تحصیلی رشته تعلیمات اسلامی. (نصاب سمسترهای سوم و چهارم). برنامه ارزیابی و توسعه نصاب های تحصیلی پوهنتون های کشور. معینیت علمی وزارت تحصیلات عالی. ص ۱-۲.
- ریاست نصاب تحصیلی. (۱۴۴۳). نصاب تحصیلی دیپارتمنت ثقافت اسلامی. معینیت علمی وزارت تحصیلات عالی. ص ۱. ص ۲.
- ریاست نصاب تحصیلی. (۱۴۰۲ ش). نصاب تحصیلی رشته تعلیمات اسلامی. (نصاب سمسترهای پنجم و ششم). معینیت علمی وزارت تحصیلات عالی. صص ۳۶-۴۰.
- ریاست نصاب تحصیلی. (۱۴۰۲ ش). نصاب تحصیلی رشته تعلیمات اسلامی. (نصاب سمسترهای هفتم و هشتم). معینیت علمی وزارت تحصیلات عالی. ص ۱-۲.
- ریاست دفتر وزارت تحصیلات عالی. (۱۴۰۴). خلاص موضوع: ارسال لیست کتب و مواد درسی رد شده به منظور آگهی و جلوگیری از تطبیق آن و استفاده از کتب بدیل که با اصول شرعی و پالیسی نظام در تضاد نباشد. آمریت اسناد و ارتباط. مدیریت عمومی مصوبات احکام و فرمان ها. شماره ۹۵۵.
- الفاروقی، اسماعیل. (۱۳۸۵). «توضیحاتی ناگزیر» در اسلامی سازی معرفت. تدوین و ترجمه: مجید مرادی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ص ۲۴۴.
- قربانی، قدرت الله. (۱۳۹۳). اسلامی سازی معرفت: بررسی دیدگاه های اسماعیل راجی الفاروقی. پژوهش های علم و دین، تحقیق گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم، شماره دوم. ص ۱۳۲.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). مجموعه آثار. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا. ج ۲، ص ۷۶.
- النیسابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح مسلم. محقق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار احیاء التراث

العربی. ج ۱، ص ۱۳۴. ح ۱۵۳.

- Abdul Razak, D. (2020). Islamic education: Challenges and opportunities. International Institute of Advanced Islamic Studies (IAIS) Malaysia.p3.
- Ahmed, L. (1992). Women and gender in Islam: Historical roots of a modern debate. Yale University Press.p133.
- Al-Attas, S. M. N. (1993). The concept of education in Islam: A framework for an Islamic philosophy of education. International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC).p15.
- Al-Attas, S. M. N. (1978). Islam and secularism. International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC). P15.
- Astin, A. W. Astin, H. S. & Lindholm, J. A. (2011). Cultivating the spirit: How college can enhance students' inner lives. Jossey-Bass.p 112.
- Al-Alwani, T. J. (2005). The Islamization of knowledge: Yesterday and today. International Institute of Islamic Thought.p25.
- AP News. (2025, February 12). Taliban leader speaks on importance of modern education at Kandahar University. Retrieved from <https://apnews.com/article/2f78150449031259d66c52e71eb75aa9>
- Amu TV. (2023, February 14). Taliban deputy PM says Afghanistan's education system needs reform. Retrieved from <https://amu.tv/35971/>
- Badri, M. (2000). The dilemma of Muslim psychologists. International Institute of Islamic Thought.p45.
- Barrett, D. B. (Ed). (2010). World Christian encyclopedia: A comparative survey of churches and religions in the modern world (2nd ed, Vol. 1). Oxford University Press.p77.
- Chapra, M. U. (2008). Muslim civilization: The causes of decline and the need for reform. Islamic Foundation.p95.
- Duderija, A. (2014). Contemporary Muslim reformist thought and maqāsid cum maṣlaḥa approaches to Islamic law: An introduction. Journal of Law and Religion, 29(3),393-415. P 105. <https://doi.org/10.1017/jlr.2014.20>
- Esposito, J. L. & Mogahed, D. (2007). Who speaks for Islam? What a billion Muslims really think. Gallup Press. p 145.
- Eickelman, D. F. & Piscatori, J. (1996). Muslim politics. Princeton University Press.p118.
- Hoodbhoy, P. (1991). Islam and science: Religious orthodoxy and the battle for rationality. Zed Books. p 201.
- Giroux, H. A. & Penna, A. N. (1983). Social education in the classroom: The dynamics of the hidden curriculum. In H. A. Giroux & D. Purpel (Eds.), The hidden curriculum and moral education (pp. 21-42). McCutchan Publishing Corporation. P21.
- Palmer, P. J. (2011). Healing the heart of higher education: The courage to create a more holistic campus culture. Jossey-Bass.p33.

- Al-Faruqi, I. R. (1982). Islamization of knowledge: General principles and workplan. International Institute of Islamic Thought.p37.
- Al-Faruqi, I. R. (1988). "Islamization of Knowledge: problems, Principles and Prospective", in Islam: Source and Purpose of Knowledge, IIIT, Herndon. P17.
- Malik, S. (2012). Islamization of knowledge: A research methodology for Islamic social sciences. Intellectual Discourse, 20(2), 77-102. P 87.
- Ramadan, T. (2004). Western Muslims and the future of Islam. Oxford University Press.p72. p63.
- Ramadan, T. (2009). Radical reform: Islamic ethics and liberation. Oxford University Press. P45.
- Qutb, S. (2000). Milestones. American Trust Publications. (Original work published 1964) p89.
- Nasr, S. H. (1987). Traditional Islam in the modern world. Kegan Paul International. P178.
- Nasr, S. H. (1993). The need for a sacred science. State University of New York Press.p10.
- Sahin, A. (2013). New directions in Islamic education: Pedagogy and identity formation. Kube Publishing.p34.
- Kellner, D. & Share, J. (2007). Critical media literacy, democracy, and the reconstruction of education. In D. Macedo & S. R. Steinberg (Eds.), Media literacy: A reader. Peter Lang.p62.
- Turner, H. (1997). Science in medieval Islam: An illustrated introduction. University of Texas Press.p67.
- Zia, R. (2006). Faith-based education and contemporary challenges. In R. Hefner & M. Q. Zaman (Eds.), Schooling Islam: The culture and politics of modern Muslim education (pp. 197-222). Princeton University Press.p211.
- 8am Media. (2023, October 16). Taliban Refines Universities' Curriculum Based on their Interest and Interpretation of the Sharia Law. Retrieved from <https://8am.media/eng/taliban-refines-universities-curriculum-based-on-their-interest-and-interpretation-of-the-sharia-law/>